



## بیانات در دیدار اعضای مجلس خبرگان رهبری - 20 / اسفند / 1394

بسم الله الرحمن الرحيم ( ۱ )

الحمد لله رب العالمين و الصلوة و السلام على سيدنا محمد و آله الطاهرين و لعنة الله على اعدائهم اجمعين.

خیلی خوش آمدید آقایان محترم، برادران عزیز! اولاً ایام شهادت حضرت صدیقه‌ی طاهره ( سلام الله علیها ) را به همه‌ی شما برادران عزیز که شاگردان آن مکتب هستید تسلیت عرض میکنم. یک نکته را در همین زمینه عرض بکنم: توجه بشود در ایام فاطمیّه، به مناسبت ذکر مناقب آن بزرگوار، ذکر شهادت آن بزرگوار، مسائل اختلاف افکن مطرح نشود. امروز سیاستهای مدهش ( ۲ ) و اهریمنی بین المللی جداً درصدد این است که بین شیعه و سنی اختلاف بیندازد. امروز جنگهایی در منطقه هست؛ من به شما عرض میکنم که هیچ کدام از این جنگها جنگ اعتقادی نیست؛ جنگهای سیاسی و با انگیزه‌های گوناگون سیاسی و قومی و مانند اینها است و ربطی به مذهب ندارد، لکن دشمن یعنی آمریکا، یعنی صهیونیست، یعنی انگلیس سعی میکنند این دعوایها را، این اختلافها را تبدیل کنند به اختلاف مذهبی؛ چون میدانید که اختلاف مذهبی به این آسانی‌ها تمام شدنی نیست. ما نباید به این هدف کمک کنیم. ما امروز در کنار خود، از برادران اهل سنت کسانی را داریم که با ما و همراه ما دارند در دفاع از حرم اهل بیت می‌جنگند و کشته میدهند، شهید میدهند. خانواده‌هایی از شهدای مدافع حرم پیش من آمدند که در بینشان چند خانواده‌ی سنی بودند. خب، این برادر اهل سنت که برای دفاع از حرم حضرت زینب یا حرم امیرالمؤمنین یا حرم سیدالشهدا جوان خودش را گسیل میکند به جبهه، بعد هم که پیش ما می‌آید، به جای اظهار تأسف، به جای اظهار غم و اندوه یا گله و شکایت، ابراز افتخار میکند که پسر من در این راه شهید شده، این را ما باید برنجانیم؟ این را ما باید کاری کنیم که از ما دور بشود؟ اینها نکات مهمی است، اینها نکات اساسی‌ای است. امروز جزو اولویتهای اصلی جامعه‌ی روحانیت این است که نگذارند کاری را که آمریکا دارد با زحمت انجام میدهد، صهیونیست‌ها دارند با زحمت انجام میدهند، ما به سهولت این کار را برای آنها انجام بدهیم؛ این را توجه داشته باشید. در سیستان و بلوچستان علمای اهل سنت مردم را تشویق کردند به انتخابات؛ این گروه‌های تکفیری آنها را الان دارند تهدید میکنند که شما چرا کمک کردید به انتخابات؛ چون آنها تشویق کردند. گروه‌های تکفیری فقط دشمن شیعه نیستند، دشمن نظام اسلامی‌اند، دشمن هرکسی هستند که به نظام اسلامی کمک کند؛ به اینها باید توجه داشت. البته ما بارها این را عرض کردیم که گفتن تاریخ، با رعایت موازین، با رعایت ادب، با رعایت جهات مهم مصلحتی اشکالی ندارد، لکن [جلوگیری از] ایجاد اختلاف، ایجاد بغض، از جمله‌ی چیزهایی است که امروز خیلی باید مورد توجه قرار بگیرد.

این جلسه‌ی امروز شما، آخرین اجلاس از طولانی‌ترین دوره‌ی مجلس خبرگان است؛ در این سالها - حدود ۱۰ سال که جناب آقای یزدی فرمودند - این مجلس اجلاس‌هایی را برگزار کرد، کارهایی انجام دادند، مطالب مهمی گفتند و منشأ آثاری هم شدند. درگذشتگانی بودند؛ به نظر من - آن طور که به من گزارش دادند - حدود هفده نفر از اعضای این مجلس در طول این سالها از دنیا رفته‌اند. البته این دوره‌ی جدید هم که آغاز خواهد شد، همین جور است؛ دنیا همین است؛ بعضی‌ها در آخر خط قرار دارند و حرکت به سمت عالم بقا یک حرکت دائمی است از سوی آحاد بشر؛ و این قدرت الهی است و تقدیر الهی است. بایستی مراقب باشیم، و برای آن درگذشتگان عزیزی که در این دوره بودند و زحمت کشیدند و حضور پیدا کردند، طلب مغفرت کنیم.

من بخصوص یاد میکنم از مرحوم آقای طبسی ( رضوان الله تعالی علیه ) و مرحوم آقای خزعلی ( رضوان الله تعالی



علیه)؛ که این دو برادر خوب، جزو کسانی بودند که به معنای واقعی کلمه در مجلس خبرگان جایگاه خبرگی را حفظ کردند و حقیقتاً امتحان خوبی دادند. مرحوم آقای طبسی (رحمة الله علیه) که سوابق مبارزاتی ایشان در دوران اختناق، بعد [هم] خدمات ایشان در آستان قدس و در مجموعه‌ی مسائل انقلاب، برای اغلب افراد شما روشن است؛ منتها یک برجستگی‌هایی هست که این برجستگی‌ها را نمیشود انسان ندیده بگیرد؛ رحمت خدا بر این مرد بزرگ و برادر عزیز ما. ایشان در حساس‌ترین مواقع، جایگاه انقلابی خودش را به‌طور واضحی ظاهر کرد و حفظ کرد و بر آن اصرار ورزید و تصریح کرد. مرحوم آقای طبسی در فتنه‌ی [سال] ۸۸ همه‌ی ملاحظات را کنار گذاشت و آمد وسط میدان؛ رفاقتها و رودربایستی‌ها و مانند اینها را کنار گذاشت؛ مواقع زیادی ما از ایشان این حالت را دیدیم؛ انسان صریح، مؤمن، قاطع. اینها آن چیزهایی است که در حفظ شخصیت افراد و در تاریخ زندگی افراد میماند؛ در حساب الهی هم اینها باقی است. زندگی این مرد مؤمن و بزرگوار در طول این دوران مسئولیت، تغییر پیدا نکرد؛ ایشان در همان خانه‌ای از دنیا رفت که ما قبل از انقلاب بارها و بارها به آن خانه رفته بودیم؛ در همان خانه و با همان اثاث زندگی. آن روزی که ماها نشستن روی مبل را بلد نبودیم، ایشان در خانه‌اش مبل داشت؛ همان مبل ۴۰ سال، ۴۵ سال قبل، امروز هم در خانه‌ی ایشان است و از همانها استفاده میکردند. زندگی خودش را توسعه نداد، وضع اشرافی به خود نگرفت. خب اینها در مردم اثر میگذارد؛ با اینکه علیه ایشان تبلیغات هم زیاد میکردند، لکن دیدید مردم مشهد چه بدرقه‌ای کردند از این انسان. تشییع جنازه‌ی مرحوم آقای طبسی و نماز [بر] ایشان، مثل بزرگ‌ترین راه‌پیمایی‌هایی بود که در مشهد انجام گرفته بود که ما دیدیم؛ آن صحن با عظمت، مملو از جمعیت [بود] و همه هم مردم مشهد - اوقات زواری [هم] نبود که بگوییم زوار آمده بودند؛ نه، مردم مشهد بودند - آمدند قدردانی کردند؛ قدرشناسی کردند. رحمت خدا بر این فقید عزیز ما.

مرحوم آقای خزعلی (رضوان الله تعالی علیه) امتحانی از نوع دیگر و بسیار دشوار را دادند؛ پای حرفهای خودشان ایستادند، پای انقلاب ایستادند. آنجایی که بحث نزدیکان و منتسبان بود، با کمال صراحت، با کمال شجاعت [ایستادند]. حالا به بنده که مکرر درمکرر مطالبی گفتند که در سینه‌ی من و در نوشته‌جات من ثبت است، اما در علن هم مطالبی زیادی گفتند، که اینها را دیگران شنیده‌اند. [این] مرد پای انقلاب ایستاد. اینها است که ارزش میدهد به انسانها، معنا میدهد به حرکت انقلابی انسانها. رحمت خدا بر اینها. امیدواریم که خدای متعال با رضوان خود، با رحمت خود، از اینها استقبال کند؛ کائی بنفسی واقفۀ بین یدیک فقد اظلها حسن توکلی علیک فقلت ما انت اهله و تغمّدنی بعفوک. (۳) امیدواریم ان شاء الله خدای متعال، اینها را مشمول این فقره‌ی مناجات شعبانیه قرار بدهد. (۴)

انتخابات امسال، انتخابات بسیار پرمعنا و مهمی بود. با اینکه این همه علیه این انتخابات تلاش شده بود، فعالیت شده بود، برای اینکه انتخابات را زیر سؤال ببرند، از ارزش انتخابات بکاهند، یک جمعیت ۳۴ میلیونی در این دو انتخابات شرکت کردند؛ یعنی در واقع، قریب هفتاد میلیون برگه‌ی رأی از سوی مردم ایران، داخل صندوقها انداخته شد. این خیلی با ارزش است، این خیلی با اهمیت است؛ مردم حقیقتاً خوش درخشیدند. ۶۲ درصد، در نسبت جمعیتی که میتوانند رأی بدهند، درصد بالایی است [اگر] مقایسه بشود با بیشتر کشورها؛ نه با بعضی از کشورها [بلکه] با بیشتر کشورها. آن طور که به من گزارش داده‌اند، در آمریکا در این ده سال اخیر هیچ وقت آمار شرکت مردم در انتخاباتهای گوناگون، چه انتخابات کنگره و چه انتخابات ریاست جمهوری، به چهل درصد نرسید. این حضور مردمی، خیلی معنادار است؛ مردم به معنای واقعی کلمه اعتماد خودشان را به نظام اسلامی نشان دادند و عملاً ثابت کردند. این یکی از نقاط مهم بود.



خب، البته در همه‌ی انتخاباتها بعضی رأی می‌آورند، بعضی رأی نمی‌آورند؛ علل گوناگونی هم دارد. بنده لازم میدانم از آن کسانی که در این دوره‌ی ۹ ساله، حضور داشتند و زحمت کشیدند و در دوره‌ی بعد نیستند همین جا تشکر کنم. البته بعضی از بزرگان ما هستند که اینها رأی آوردن و نیاوردنشان، هیچ مساسی (۵) به شخصیت اینها پیدا نمیکنند. بعضی هستند که مجلس خبرگان از حضور آنها بهره‌مند میشود، نه آنها از حضور در مجلس خبرگان. امثال جناب آقای یزدی یا جناب آقای مصباح، کسانی هستند که وقتی در مجلس خبرگان حضور داشته باشند، مجلس وزانت بیشتری پیدا میکند. نبودن اینها در مجلس خبرگان، به اینها هیچ‌گونه ضرری نمیزند. بله، برای مجلس خبرگان نبودن اینها خسارت است. شخصیت برجسته‌ی اشخاص به معنویات آنها، به داشته‌های معنوی آنها، به سرمایه‌های معنوی آنها است. امیدواریم که خدای متعال آن کسانی را که در این دوره‌ی جدید هستند و قبلاً نبوده‌اند، و کلّ مجلس خبرگان را ان‌شاءالله موفق بدارد.

انتخابات در کشور ما - از جمله این انتخابات - خصوصیتی دارد که من چند خصوصیت را که به نظرم مهم می‌آید، عرض میکنم. یکی این است که مردم برای شرکت در این انتخابات و در [دیگر] انتخاباتهای کشور ما آزادی عمل دارند. در بعضی از کشورها اجباری است؛ حتی در کشورهای غربی - اروپایی و غیر اروپایی - اجبار هست؛ یعنی شرکت نکردن در انتخابات برای آنها هزینه دارد؛ در کشور ما شرکت نکردن در انتخابات هیچ هزینه‌ای ندارد؛ مردم آزادانه شرکت میکنند، با انگیزه شرکت میکنند، با رغبت شرکت میکنند؛ فکری دارند، دنبال فکر حرکت میکنند. این بسیار با ارزش است.

نکته‌ی دوم که در اغلب انتخاباتهای ما بوده است و در این انتخابات هم به‌طور واضحی وجود داشت، رقابتی بودن انتخابات بود. سعی شد که گفته شود انتخابات رقابتی نیست لکن خلاف واقع بود و انتخابات رقابتی بود؛ با علمهای گوناگون، با نامهای گوناگون، با شعارهای گوناگون، جناحهای مختلف، افراد مختلف شرکت کردند و حرف خودشان را زدند؛ صداوسیما در اختیار نامزدهای خبرگان قرار گرفت؛ نامزدهای مجلس شورای اسلامی در شهرها تبلیغات کردند و آنچه توانستند کار کردند. بنابراین انتخابات کاملاً رقابتی بود و آنچه به دست آمده است محصول یک رقابت کامل است.

یک خصوصیت دیگری که مهم و قابل توجه است و باید واقعاً خدا را شکر کنیم، امنیت و آرامش فضای انتخابات بود؛ حتی در آنجایی که انگیزه‌های اختلاف وجود دارد؛ مثل مواردی که قومیت‌هایی هست، بین دو شهر اختلاف هست، بین دو شهر رقابت هست؛ از این قبیل در سراسر کشور داریم؛ هیچ‌جا حادثه‌ی تلخی اتفاق نیفتاد. حالا در شهرهای بزرگ و امثال اینها که واضح است، در گوشه‌وکنار کشور هم همین جور بود؛ حادثه‌ای که فضای انتخابات را تلخ کند و خدای نکرده به جان افراد صدمه‌ای وارد بشود، اتفاق نیفتاد. امروز محیط اطراف ما را مشاهده کنید؛ در شرق ما، در غرب ما، در شمال ما، در جنوب ما کشورها دچار ناامنی‌اند. نه اینکه [فقط] انتخابات آرام و سالم نمیتوانند برگزار کنند؛ زندگی سالم و آرام هم ندارند؛ [فرد] از خانه که خارج میشود، نمیداند که به خانه برمیگردد یا نه. وضع ناامنی در کشورهای اطراف ما تقریباً این‌جوری است. در کشور ما بحمدالله انتخاباتی با این عظمت، با این شرکت وسیع اتفاق می‌افتد؛ در تهران مردم از ساعت هشت صبح تا دوی بعد از نیمه‌شب [رأی میدادند]؛ به من گزارش دادند در بعضی از حوزه‌های انتخاباتی در تهران، نه تا دوازده [بلکه] تا دوی بعد از نصف‌شب مردم می‌آمدند، رأی میدادند و میرفتند؛ با کمال آرامش، با کمال امنیت. این خیلی چیز مهمی است؛ این برای کشور یک موجودی است، یک نعمت بزرگ الهی است برای یک کشور؛ این را باید قدر بدانیم. ما از کسانی که این امنیت را توانستند



تأمین کنند برای ما - از وزارت کشور تا نیروی انتظامی تا سپاه تا بسیج و دیگرانی که تأثیر در این معنا داشتند - حقیقتاً بایستی تشکر کنیم.

یک خصوصیت دیگر این انتخابات، مثل بقیه‌ی انتخاباتهای ما، سلامت و امانت‌داری بود؛ یعنی انتخابات سالم برگزار شد؛ درست نقطه‌ی مقابل آن چیزی که دشمنان ما دائماً در طول این سالها، همواره تبلیغ کردند؛ و این تبلیغ در اوقات انتخابات غالباً شدید شده که «آقا، خیانت میکنند؛ اسم فلانی را می‌آورند، رأی فلانی را به جایش در می‌آورند»؛ از این حرفها شنیده‌اید؛ مرتباً یک عده‌ای بیرون گفته‌اند و یک عده‌ای هم در داخل آنها را بازگو کرده‌اند و همان حرفها را در داخل کشور تکرار کرده‌اند. با وجود این، بحمدالله انتخابات، سالم بود و همیشه سالم بوده انتخابات. این نشان داد بی‌اعتباری حرف کسانی را و اقدام کسانی را که یک وقتی یک انتخاباتی مثل سال ۸۸ را نامعتبر دانستند و آن فتنه‌ی مضر و مهیب را برای کشور به وجود آوردند؛ به‌خاطر اینکه متهم کردند کشور را به اینکه انتخابات انتخابات ناسالمی است؛ نه، انتخابات سالم بود؛ هم امروز سالم بود، هم دوره‌های قبل سالم بود، هم سال ۸۸ سالم بود، هم سال ۸۴ سالم بود؛ انتخابات سلامت داشت. هیچ‌وقت این جور کاری [نشده است]. بله، ممکن است در یک گوشه‌ای، در یک صندوقی ده تا، بیست تا، صد تا رأی این‌ور و آن‌ور بشود؛ یا از روی غفلت، یا از روی غرض، [اما] هیچ‌گونه حرکت سازمان‌دهی شده‌ای که وجود داشته باشد که نتیجه‌ی انتخابات را تغییر بدهد، در کشور ما وجود نداشته و وجود ندارد و بعد از این هم امیدواریم ان‌شاءالله هرگز وجود نداشته باشد.

یک نکته‌ی دیگری که باز در این انتخابات واضح شد و بسیار خودش را نشان داد، رفتار کاملاً نجیبانه‌ی کسانی بود که رأی نیاوردند. اگر آن کسانی که رأی نیاورده‌اند، بنا میکردند اعتراض کردن و دعوا کردن و شکوه و گلایه کردن و در بلندگوها حرف زدن، وضع آرام نمی‌ماند و طبعاً ناآرامی به وجود می‌آمد. خود جناب آقای یزدی (ادام الله بقائه) هم در اول این اجلاس کنونی‌تان اظهار کردند، هم قبلاً گفته بودند و ابراز خوشحالی کردند، اظهار رضایت کردند، به کسانی که رأی آوردند تبریک گفتند؛ اینها خیلی بااهمیت است؛ اینها خیلی باعظمت است؛ اینها ارزش است، این ارزشها را بایستی قدر دانست؛ برخلاف رفتار نانجیبانه‌ی کسانی که در سال ۸۸ عمل کردند که چون رأی نیاوردند، دعوا راه انداختند، مردم را به خیابانها کشاندند، کار را به زدو خورد کشاندند، برای کشور هزینه درست کردند، دشمن را جری کردند، طمع دشمن را برانگیختند؛ این کارها شد. خدای متعال آن فتنه را خاموش کرد و الا آن فتنه، فتنه‌ی کوچکی نبود که اینها راه انداختند. خب، این هم یک خصوصیت دیگر.

از کسانی که در امنیت انتخابات شرکت فعال داشتند، بنده نام وزارت اطلاعات را نبردم که عذرخواهی میکنیم از آنها؛ یعنی حضور آنها شدیداً، جداً حضور مؤثری بود در ایجاد امنیت و جلوگیری از برخی حوادثی که ممکن بود پیش بیاید.

آنچه در جمع‌بندی این بخش باید عرض بکنیم، این است که مردم در این انتخابات، اعتماد خودشان به نظام اسلامی و تبعیت از نظام اسلامی را اثبات کردند و نشان دادند که تابع جمهوری اسلامی هستند، قوانین جمهوری اسلامی را قبول دارند، بر طبق این قوانین رفتار میکنند و عمل میکنند؛ این خیلی باارزش است؛ این درست نقطه‌ی مقابل آن چیزی است که دشمنان ما دارند دنبال میکنند؛ میخواهند یک دوقطبی‌ای درست کنند بین حکومت و نظام از یک طرف و مردم از یک طرف؛ مردم به جای اینکه به زبان بیاورند و حرف بزنند، آمدند در میدان نشان دادند که خیر، این جور نیست. البته قبلش هم آن راه‌پیمایی کذایی بیست و دوّم بهمن بود با آن عظمت، با آن شور و شعور؛ مردم



واقعاً این جور هستند. بنابراین خوشبختانه تلاش دشمن برای بی‌اعتبار کردن انتخابات به نتیجه نرسید و انتخابات با اعتبار تمام انجام گرفت.

یک نکته در اینجا وجود دارد و آن این است که بعضی - باید گفت به تبعیت ناخواسته و نادانسته از دشمن - برخی از اشکالات را متوجه میکنند به شورای نگهبان؛ بنده حقیقتاً گله دارم از این گونه افراد. شورای نگهبان کار خودش را با جدیت، با زحمت فراوان، با تلاش انجام داد. شما هم جای شورای نگهبان باشید، غیر از این عمل نخواهید کرد. شورای نگهبان در ظرف بیست روز - همچنان که جناب آقای شاهرودی الان اشاره کردند - باید دوازده هزار پرونده را میدید. خوب، این اشکال از قانون است؛ اگر این اشکال قانونی برطرف بشود، آن مشکلی که مترتب بر این هست برطرف خواهد شد. ما چرا باید آن اشکال قانونی را به پای شورای نگهبان بنویسیم؟ آقایان صحبت از احراز و عدم احراز میکنند؛ من تعجب میکنم از بعضی که این حرف را میزنند. خوب، شما همه اهل فضلید، اهل علمید؛ آیا بدون احراز شرایط برای یک مسئولیت، میشود آن شخص را تأیید کرد؟ بدون اینکه شما احراز کنید شرایط قانونی این کار را دارد، نمیتوانید آن را تأیید کنید؟ پیش خدای متعال جواب دارید؟ نمیتوانید. شما هم به جای شورای نگهبان باشید نمیتوانید. شورای نگهبان اگر احراز نکرد، ناگزیر است از اینکه بگوید من احراز نکردم. وقتی احراز نکرد، طبعاً طرف رد میشود؛ خوب، این ایرادی نیست که به شورای نگهبان وارد بشود. اگر میخواهید شورای نگهبان فرصت احراز داشته باشد، باید قانون را اصلاح کنید؛ قانون باید اصلاح بشود - قبلاً هم این را ما مکرر گفته‌ایم؛ حالا افراد در فکر هستند، شاید ان شاء الله بتوانند؛ البته ما سیاستهای کلی انتخابات را مطرح کردیم و فرستادیم برای مجمع تشخیص؛ آنجا هم بررسی کردند؛ [اگر] حالا براساس آنها یک کار درستی انجام بگیرد بحثی نیست - اما با این قانونی که فعلاً وجود دارد، وضع همین است؛ شورای نگهبان چاره‌ای ندارد؛ نمیتواند کسی را که شرایط او را احراز نکرده تأیید بکند؛ باید احراز بکند.

شما میگویید که قانون این چهار منبع را گفته؛ (۶) خیلی خوب - البته همین هم محلّ بحث است - فرض کنیم که این منابع را برای [کسب] اطلاعات ذکر کرده باشد. اگر جنابعالی که مسئول هستید، از یک طریقی علم پیدا کردید و فهمیدید که این شخص صالح نیست، میتوانید تأیید کنید؟ نمیتوانید تأیید کنید؛ پیش خدای متعال جواب ندارید. چرا به شورای نگهبان این قدر حمله میشود!

البته بعضی وقتی در شورای نگهبان رد شدند ناراحت میشوند؛ این ناراحتی قابل فهم است، قبول است. بنده هم ممکن است اگر چنانچه در یک موردی بگویند «شما صلاحیت نداری» ناراحت بشوم اما آیا وقتی ناراحت شدیم بایستی جنجال بکنیم؟ انسان اگر ناراحت شد، اگر راه قانونی‌ای وجود دارد، باید به آن راه قانونی متوسّل بشود. من تعجب میکنم که بعضی بنا میکنند نوشتن در روزنامه و این طرف و آن طرف و از این قبیل کارها علیه شورای نگهبان که چرا ما را رد کردید؛ ما صالح بودیم. خیلی خوب، شما صالح؛ اگر چنانچه شورای نگهبان اشتباه کرده باشد، شما بایستی به آنها مراجعه کنید و آنها هم طبق قانون، همان وظیفه‌ای که دارند باید انجام بدهند؛ اگر نشد، نمیشود شورای نگهبان را تخریب کرد. همه توجه بکنند! شورای نگهبان جزو آن مراکز اصلی‌ای است که از اوّل انقلاب، استکبار خواسته آن را تخریب بکند. یکی از چند مرکز مهمی که از اوّل انقلاب سعی دستگاه تبلیغات اهریمنی صهیونیست‌ها و آمریکایی‌ها و استکبار بر این بوده است که آن را تخریب بکنند، شورای نگهبان است. ما نباید کمک کنیم و شورای نگهبان را تخریب کنیم به خاطر این [رد صلاحیت]. بله، ممکن است گله داشته باشیم یا یک مشکلی وجود داشته باشد؛ خوب، مشکل را باید بگوییم؛ نباید تخریب بکنیم شورای نگهبان را؛ این مرکز اساسی قانونی را



نبایستی تخریب نکنیم. لجن پراکنی کردن علیه شورای نگهبان حقیقتاً یک کار غیر اسلامی، غیر شرعی، غیر قانونی و غیر انقلابی است.

خب، مردم خوش درخشیدند؛ کاری که از مردم توقع بود انجام بدهند انجام دادند. حالا نوبت ما است؛ هم نوبت مجلس خبرگان است که به وظایف خود عمل کند، هم نوبت شورای اسلامی است که به وظایف خود عمل کند؛ هم نوبت دولت محترم است که به وظایف خود عمل کند؛ ما وظایفی داریم. مردم آمدند در میدان و نمایندگان خودشان را معین کردند. به نظر من مجلس خبرگان مهم‌ترین جایی است که بایستی متوجه به وظایف خودش باشد. من اگر بخواهم در یک کلمه عرض بکنم، آن یک کلمه این خواهد بود که مجلس خبرگان باید انقلابی بماند؛ باید انقلابی فکر کند و انقلابی عمل بکند؛ این خلاصه‌ی مطلب است. در تفسیر این مطلب، خیلی حرف می‌شود زد؛ یکی این است که در انتخاب رهبر آینده، ملاحظه‌ی خدا را بکنید. احتمال اینکه این دوره‌ای که تازه شروع خواهد شد، مبتلا بشود به این آزمایش، احتمال کمی نیست؛ آن وقتی که بنا است رهبر انتخاب بشود، ملاحظات و رودرپایستی‌ها را کنار بگذارند؛ خدا را در نظر بگیرند، وظایف را در نظر بگیرند، نیاز کشور را در نظر بگیرند؛ بر این اساس رهبر انتخاب بشود؛ مهم‌ترین وظیفه به نظر ما این است؛ مراقبت کنند. اگرچنانچه در این مرحله و در این وظیفه‌ی بزرگ کوتاهی انجام بگیرد، در اساس کار مشکل به وجود خواهد آمد؛ این مهم‌ترین مسئله است که بایستی مورد توجه قرار بگیرد.

البته غیر از این وظیفه، وظایف دیگری هم مجلس خبرگان دارد؛ همین‌طور که آقایان اشاره کردند مجلس خبرگان متشکل از بزرگان و علما و شخصیت‌های موثر در استانها هستند؛ میتوانند تأثیر بگذارند، میتوانند حرف مردم را بشنوند و آن را در اینجا مطرح کنند؛ مجلس خبرگان یک واسطه‌ای بشود بین خواسته‌های مردم و بین مسئولین محترم دولتی یا قضائی؛ این یکی از کارها است. یا اینکه حقایق را، مطالب مهم را، با توجه به جایگاه خبرگانی خودشان و شخصیت حقیقی خودشان برای مردم تبیین کنند؛ چه در نمازهای جمعه، چه در [جاهای دیگر]. این نکته‌ای که جناب آقای یزدی در آخر بیاناتشان بیان کردند، روشن است؛ وظیفه‌ی اصلی ما عبارت است از تبیین؛ باید تبیین کنیم. این تبیین به شکل‌های مختلفی ممکن است انجام بگیرد؛ آن شکلی که در آن فتنه به وجود بیاید، دعوا به وجود بیاید، آن شکل مطلوب نیست. آن شکلی که برای مردم آگاهی به وجود بیاید، برای مسئولین تنبیه به راه‌حل‌ها به وجود بیاید، آن شکل بسیار مطلوب است؛ این اشکالی هم ندارد. جایگاه قانونی خودشان را حفظ کنند. بیان موضع‌گیری خوب است، البته عرض کردیم بیان موضع‌گیری دو جور ممکن است؛ آن جوری باشد که موجب فساد و موجد فساد باشد، نباید باشد اما بیان حقایق جوری که مردم را آگاه کند، مسئولین را آگاه کند، مسئولین را متشکر کند [مطلوب است]. گاهی انسان یک حرفی را می‌زند اگرچه انتقادآمیز است، مسئولین می‌آیند تشکر میکنند؛ برای خود ما مکرر پیش آمده که مسئولین می‌گویند آقا این نکته‌ای که شما گفتید، کار ما را آسان کرد و ما میتوانیم کارمان را انجام بدهیم؛ ممکن است تشکر بکنند از شما. این هم این مطلب است. پس بنابراین در مورد مجلس خبرگان، عرض ما این است که مصلحت‌اندیشی‌های شخصی رعایت نشود؛ رودرپایستی‌ها رعایت نشود؛ مرّ حقیقت و آنچه وظیفه‌ی انسان است که باید در مقابل خدای متعال انسان جواب بدهد، آن را در نظر بگیریم؛ متوجه سؤال پروردگار باشیم.

اما در مورد مجلس شورای اسلامی هم این را عرض کرده‌ایم؛ من همیشه در طول سالهای متممادی در مجالس مختلف و دولتهای مختلف، همیشه مجلس را به همراهی با دولت و کمک به دولت تشویق کرده‌ام؛ الان هم



عقیده‌ام این است که مجلس بایستی به دولت کمک کند و راه را هموار کند برای اجرا؛ چون اجرا کار آسانی نیست، اجرا کار سختی است. البته قانون‌گذاری کار مهمی است لکن اجرا یعنی رفتن در سنگلاخها و بریدن موانع و عبور از موانع؛ کار آسانی نیست، باید همه بهشان کمک کنند. منتها معنای این، آن نیست که مجلس از وظایف قانونی خودش اغماض کند؛ نه، وظایف قانونی مجلس بایستی کاملاً رعایت بشود. آن چیزهایی که در قانون واضح است، آن چیزهایی که در قانون وظیفه‌ی مجلس است - در قانون اساسی عمدتاً و در قانون عادی - مشخص است که چه چیزهایی است؛ اینها را باید کاملاً رعایت کنند و اغماض از آنها نکنند منتها بنایشان بر کمک به دولت و همراهی و همکاری با دولت باشد؛ اینها با هم منافاتی ندارند.

یک تذکر هم به دولتی‌ها است. خوشبختانه رئیس‌جمهور محترممان اینجا حضور دارند؛ البته ما به ایشان در جلسات خصوصی، در جلسات دولتی تذکرات لازم را که به نظرمان میرسد، می‌گوییم، اینجا هم فرصت خوبی است. دولت اولویتهای کشور را در نظر بگیرد؛ ما اولویتهایی داریم. البته نیاز خیلی است؛ میدان نیازهای کشورهای کشور میدان وسیعی است؛ یعنی شاید اصلاً قابل شمارش نباشد لکن طبق قاعده‌ی عقلایی بایستی اولویتهای را، فوریتها را، یا مسائل ریشه‌ای‌تر را در نظر گرفت. من به نظرم سه مسئله از لحاظ اولویت، از لحاظ ریشه‌ای بودن و حل مشکلات دیگر از همه مهم‌تر است؛ یکی عبارت است از مسئله‌ی اقتصاد مقاومتی. کشور بدون اقتصاد مقاومتی رشد نخواهد کرد، مشکلات اقتصادی‌اش برطرف نخواهد شد، بلکه گرفتاری‌هایش روزبه‌روز بیشتر خواهد شد، اگر ما اقتصاد مقاومتی را عمل نکنیم. بنده از برادران عزیزمان در دولت درخواست کردم که یک قرارگاه اقتصاد مقاومتی تشکیل بدهند؛ فرماندهی برایش بگذارند. جنگ است دیگر؛ جنگ اقتصادی جنگ است؛ حالا در آن توپ و تیر و تفنگ نیست اما ابزارهای خطرناک‌تر از توپ و تفنگ وجود دارد. یک جنگ است، قرارگاه لازم دارد، قرارگاه هم فرمانده لازم دارد. ما پیشنهاد هم کردیم، قبول هم کردند، کارهایی هم دارد انجام می‌گیرد؛ منتها باید این کارها محسوس بشود، باید اینها دیده بشود. فعالیتهای دولتی - فرض کنید فلان معامله‌ای که در فلان جا انجام می‌گیرد - باید مشخص بشود که این کجای اقتصاد مقاومتی قرار می‌گیرد؛ این را ما به مسئولین عزیزمان تذکر دادیم که فلان جا شما دارید فلان چیز را می‌خرید یا فلان چیز را معامله می‌کنید، خیلی خوب، در صحنه‌ی عرصه‌ی اقتصاد مقاومتی، این معامله در کجای این جدول عظیم قرار می‌گیرد؛ باید مشخص بشود. یعنی معیار همه‌ی کارهای اقتصادی، فعالیتهای اقتصادی ما بایستی برنامه‌ی عظیم و همه‌جانبه‌ی اقتصاد مقاومتی باشد. اقتصاد مقاومتی را هم فقط بنده نگفته‌ام؛ با فکر جمعی و عقل جمعی این برنامه تنظیم شده؛ بعد هم همه بدون استثنا - از موافق و مخالف - این برنامه را تأیید کرده‌اند و گفته‌اند تنها راه نجات کشور اقتصاد مقاومتی است. پس این شد یکی از سه اولویت اول.

اولویت دوم جهش علمی است. ما جهش علمی را نباید بگذاریم متوقف بشود. کشور اگر به علم پردازد و علم را پیش ببرد، آقا خواهد شد؛ به معنای واقعی کلمه: العِلْمُ سُلْطَانٌ (۷). اگر قدرت می‌خواهیم، اگر عزت می‌خواهیم، اگر این را می‌خواهیم که ما مرجع مراجعات کشورها و دولتها باشیم، نه اینکه آنها مرجع مراجعات ما باشند، باید علم را تقویت کنیم؛ و این ممکن است و این عملی است. بنده حدود چهارده پانزده سال قبل از این، مسئله‌ی علم را و عبور از مرزهای موجود علم را و ابتکار علمی را مطرح کردم؛ یک عده‌ای گفتند نمیشود؛ بعضی‌ها آمدند در تلویزیون گفتند نمیشود. امروز ملاحظه می‌کنید که شده؛ همه اعتراف می‌کنند که شده. سرعت پیشرفت کشور از متوسط سرعت پیشرفت علمی دنیا چندین برابر بیشتر بود؛ البته ما چون خیلی عقبیم، این سرعت پیشرفت باید سالها ادامه پیدا کند تا برسیم به آن خط مقدم. لکن [این سرعت] بیشتر بود و الان کم شده؛ این کم شدن را هم من هشدار دادم [اما] یک عده‌ای اعتراض کردند. امروز یا دیروز در خبرها خواندم که وزیر علوم گفته که سرعت پیشرفت علمی کم



شده؛ ببینید! این را ما شاید حدود شش هفت ماه قبل از این در صحبت‌مان گفتیم، بعضی‌ها هم خوششان نیامد و اعتراض کردند لکن الان وزیر علوم دارد میگوید که سرعت پیشرفت [علم] کم شده. نباید بگذاریم کم بشود؛ بایستی پیشرفت علمی با جدیت تمام دنبال بشود. اگر پیشرفت علمی را ما دنبال کردیم، آن وقت اقتصاد دانش‌پایه - که سرمایه‌گذاری‌اش اندک است [اما] فرآورده و محصولش بسیار زیاد است - در اختیار ما قرار خواهد گرفت.

[اولویت] سوّم مصون‌سازی فرهنگی است. من حالا در مورد مصون‌سازی فرهنگی یک توضیحی عرض میکنم، بعد بیشتر توضیح خواهم داد؛ صحبت ما یک قدری هم طولانی میشود لکن تحمل بفرمایید. ما از لحاظ فرهنگی باید کشور را، ملت را و جوانان را مصون‌سازی کنیم؛ این برنامه‌ریزی میخواهد. این هدف را اول باید قبول کنیم و به آن اعتقاد پیدا کنیم، بعد که اعتقاد پیدا کردیم برویم برنامه‌ریزی کنیم برای این کار. این کاری نیست که همین‌جوری به ما دست بدهد؛ با چند سخنرانی و نوشتن کتاب هم حاصل نمیشود؛ این مصون‌سازی فرهنگی کار لازم دارد، برنامه لازم دارد.

محصول این کارهایی که عرض کردیم، [اگر] انجام دادیم، پیشرفت کشور خواهد بود. در درجه‌ی اوّل اگرچنانچه کشور این سه اولویت را - کارهای بعدی هم هست که باید انجام بگیرد [اما] در درجه‌ی اوّل این سه اولویت را - مورد ملاحظه قرار داد، پیشرفت خواهد کرد. مراد ما از پیشرفت، پیشرفت صوری نیست، پیشرفت حقیقی است. پیشرفت صوری این است که یک رونق ظاهری به اقتصاد بدهیم، یک مقداری جنس وارد کنیم و زرق‌وبرقی بدهیم؛ این میشود پیشرفت صوری، این فایده‌ای ندارد، این ممکن است علی‌العجاله مردم را یک مقداری خشنود کند اما در نهایت به ضرر کشور تمام خواهد شد. پیشرفت باید حقیقی باشد، عمیق باشد و متکی به پایه‌ها و استوانه‌های محکم داخلی باشد؛ این میشود پیشرفت؛ پیشرفت واقعی این است. دیروز شنیدم که این فرمانده محترم سپاه (۸) که در تلویزیون راجع به این موشکها و مانند اینها صحبت میکرده، گفته است که اگر تمام اطراف کشور ما را هم حصار بکشند که هیچ چیزی وارد نشود و هیچ چیزی خارج نشود، ما در ساخت این موشکها دچار مشکل نمیشویم؛ این یعنی پیشرفت. جوری بایستی حرکت بکنید که اگرچنانچه تحریم هم بکنند و فشار هم وارد بیاورند، پیشرفت شما متوقف نشود [بلکه] آن دشمن احساس کند که نیاز دارد بیاید جلو. اگر بخواهیم این پیشرفت حقیقی انجام بگیرد، باید خصوصیات انقلابی‌مان را حفظ کنیم، حرکت جهادی‌مان را حفظ کنیم، عزّت و هویت ملی‌مان را حفظ کنیم، هضم نشویم، و در هاضم‌های خطرناک فرهنگی و اقتصادی جهانی هضم نشویم؛ اگر اینها را رعایت بکنیم، این درست خواهد شد.

بنده در قبل از انتخابات مسئله‌ی نفوذ را مطرح کردم؛ آقایان! این نفوذ مسئله‌ی مهمی است. نفوذ مسئله‌ی مهمی است بنده هم که این را عرض میکنم نه به خاطر این است که حالا یک احتمالی به ذهنم می‌آید که ممکن است نفوذ کنند؛ نه، ما از خیلی چیزها مطلعیم؛ از خیلی حوادثی که دارد در کشور رخ میدهد که غالباً عموم مردم یا حتی خیلی از خواص مطلع نمیشوند ما مطلع میشویم. من از روی اطلاع دارم عرض میکنم که برنامه‌ی نفوذ در کشور یک برنامه‌ی جدی استکبار است، برنامه‌ی جدی آمریکایی‌ها است؛ دارند دنبال میکنند که نفوذ کنند. اشتباه نشود! این نفوذ برای این نیست که از یک جایی کودتا بشود؛ نه، میدانند که در ایران، در جمهوری اسلامی، با ساختی که جمهوری اسلامی دارد کودتا معنی ندارد. یک جاهایی یک وقت داخل فلان نیروی مسلح نفوذ میکنند برای اینکه بیایند کودتا کنند، یکی را ببرند، یکی را بیاورند؛ نه، این نفوذ برای کودتا نیست، این نفوذ برای دو منظور دیگر است. یکی از آماج‌های این نفوذ مسئولانند؛ آماج دوّم مردمند. مسئولان آماج این نفوذند؛ برای چه؟ هدف چیست؟





هدف این است که محاسبات مسئولان را عوض کنند و تغییر بدهند؛ یعنی مسئول جمهوری اسلامی به این نتیجه برسد که با ملاحظه‌ی هزینه و فایده احساس کند که باید این اقدام را بکند، این اقدام را نکند؛ نفوذ برای این است به این نتیجه برسد که فلان رابطه را قطع کند، فلان رابطه را ایجاد کند؛ نفوذ برای این است که این محاسبات در ذهن مسئولین عوض بشود. آن وقت، وقتی نتیجه این بشود که فکر مسئولین و اراده‌ی مسئولین در مشت دشمن قرار بگیرد، دیگر لازم نیست دشمن بیاید دخالت مستقیم بکند؛ نه، مسئول کشور همان تصمیمی را میگیرد که او میخواهد. وقتی محاسبه‌ی این حقیر عوض شد، تصمیمی را میگیرم که او میخواهد؛ من همان کاری را که او میخواهد مفت و مجانی انجام میدهم؛ گاهی بدون اینکه خودم بدانم - یعنی اغلب بدون اینکه خودم بدانم - این کار انجام میدهم. [بنابراین] سعی میکنند محاسبات مسئولین را عوض کنند. پس آماج اول مسئولینند.

آماج دوم مردمند. باورهای مردم باید عوض بشود؛ باور به اسلام، باور به انقلاب، باور به اسلام سیاسی، باور به اینکه اسلام غیر از کارهای شخصی وظایف عمومی هم دارد، حکومت هم دارد، جامعه‌سازی هم دارد، تمدن‌سازی هم دارد؛ باور به نفی اینها [جایگزین شود]. اینها باید از ذهن مردم زدوده بشود، عکسش در ذهن مردم جا بگیرد.

[میخواهند] باور به استقلال را عوض کنند. بعضی‌ها البته ناشیگری میکنند؛ می‌بینیم گاهی اوقات در بعضی از مطبوعات، صریحاً استقلال کشور را یک امر قدیمی و کهنه‌شده میدانند و میگویند امروز دیگر استقلال کشورها مطرح نیست. یعنی چه؟ یعنی در نقشه‌ی جغرافیای جهانی یک قدرتی وجود دارد، آن قدرت تصمیم میگیرد و همه عمل میکنند - مثل حرارت مرکزی - یک جایی یک چیزی تولید میکند، بقیه مصرف میکنند. این را دارند ترویج میکنند؛ نفوذ یعنی این. البته این کاری است که دارد انجام میگیرد.

یکی از چیزهایی که نفوذ در باورهای مردم هدف قرار میگیرد این است که خیانت‌های غرب را فراموش کنند. آقایان! ما از غرب صدمه دیده‌ایم. در تبلیغات جهانی تکیه میکنند روی اینکه چرا در جمهوری اسلامی، بعضی‌ها - گاهی هم اسم بنده را بالخصوص می‌آورند - با غرب مخالفند، چرا با آمریکا مخالفند. باید فراموش نکنیم که غرب با ما چه کرده. من طرف‌دار قطع رابطه‌ی با غرب نیستم - حالا این را هم عرض خواهم کرد - این را همه میدانند. من هشت سال رئیس‌جمهور بودم، با همین کشورها و با همین رؤسای جمهور نشسته‌ام، برخاسته‌ام و صحبت کرده‌ام. الان هم همین جور است؛ الان هم از جمله‌ی برنامه‌های میهمانهای آقای رئیس‌جمهور ملاقات با بنده است. در حرفها هم که با همدیگر فحش و فحش‌کاری نمیکنیم؛ حرف میزنیم و تفاهم میکنیم. ما مخالف ارتباط با غرب نیستیم [اما] مسئله این است که بدانیم با چه کسی داریم تعامل میکنیم و بدانیم طرف ما چه کسی است.

غرب، کشورهای غربی، از اواسط دوران قاجار، علیه کشور ما فعالیت‌هایشان را شروع کردند؛ ضعف سلاطین قاجار موجب شد اینها دائماً همین‌طور امتیاز بگیرند، مدام فشار بیاورند، مدام دایره‌ی زندگی ما را تنگ کنند و پیشرفتهای ما را متوقف کنند. بعد به این نتیجه رسیدند که باید یک نفر از خودشان را بیاورند، که آوردند؛ رضاخان از خودشان بود. حالا بعضی‌ها همین را هم دارند خدشه میکنند و [میگویند] رضاخان را انگلیس‌ها نیاوردند؛ یک امر به این وضوح را که خودهایشان اقرار کردند، تکرار کردند، خود انگلیس‌ها گفتند، خود مسئولان حکومت طاغوت این را مکرر گفتند، اما اینها دارند انکار میکنند. واقع قضیه این است که رضاخان را آوردند، بعد که احساس کردند ممکن است آن‌چنان که مایلند در مشتشان نچرخد، او را برداشتند و پسرش را گذاشتند. بعد که باز از درون کشور یک حرکتی به‌عنوان نهضت ملی شروع شد، سرکوب کردند و بیست‌وهشتم مرداد را به‌وجود آوردند. بعد از بیست‌وهشتم مرداد،



دستگاه جهت‌می ساواک را به وجود آوردند. اینها را غربی‌ها کردند، اینها را همین انگلیس‌ها کردند؛ بعد از انگلیس‌ها نوبت آمریکایی‌ها بود. کشاورزی کشور را نابود کردند، پیشرفت علمی کشور را متوقف کردند، مغزهای فعال را دزدیدند و بردند یا متوقف کردند، طبقه‌ی جوان را به فساد و لابلالی‌گری و اعتیاد و مشروب‌خواری و مانند اینها کشاندند؛ این کارهایی است که غرب در کشور ما کرده. نمی‌گویم ماها بی‌تقصیر بودیم، اما اداره‌ی کار و تدبیر کار دست آنها بوده است و آنها کرده‌اند. تقصیر ما این است که ما در صدد علاج برنیامدیم، در صدد مقاومت برنیامدیم. امروز هم اگر مقاومت نکنیم، همان آش است و همان کاسه؛ باز هم همین خواهد شد.

بعد، انقلاب اسلامی رخ داد؛ از روز اولی که انقلاب رخ داد غرب شروع کرد با ما مخالفت کردن. نه فقط مخالفت [بلکه] بنا کرد معارضة کردن. به صدام اینها کمک کردند، به ضدانقلاب‌ها در بخشهای مرزی کشور اینها کمک کردند؛ هم پول دادند، هم سلاح دادند، هم کمک سیاسی و فکری کردند. علیه انقلاب و دستگاه انقلاب و شخص امام راحل (رضوان الله تعالی علیه) و مسئولین انقلابی اینها بودند که شایعه‌پراکنی کردند، لجن‌پراکنی کردند و دشمنی کردند. در جنگ هرچه توانستند به صدام کمک کردند؛ بمباران شهرهای ما به وسیله‌ی صدام انجام گرفت اما با پشتیبانی آنها؛ اگر آنها نبودند صدام نمیتوانست این کار را انجام بدهد. [سلاح] شیمیایی را آنها به صدام دادند، موشک را آنها دادند، میراژ را آنها دادند، برنامه‌های جنگی را آنها برایش تنظیم کردند، این صحنه‌های جنگ به وسیله‌ی آنها طراحی شد، عکسهای هوایی از رفت و آمدهای سربازهای ما را آمریکایی‌ها به عراق و به صدام دادند؛ با ما این جور رفتار کردند. بعد [هم] که جنگ تمام شد، تحریمها را آنها بر ما تحمیل کردند. ما با اینها مخالفتی [و دشمنی‌ای] نکردیم؛ خود ما یک بنائی را گذاشتیم و گفتیم ما به این بنا وفاداریم؛ اینها برای اینکه ما این بنا را گذاشتیم و مستقل از آنها است و تابع آنها نیست شروع کردند با ما دشمنی کردن. چه کار کنیم ما؟

من میبینم بعضی از برادران ما گاهی اوقات میگویند که ما باید با همه‌ی دنیا رابطه داشته باشیم؛ خوب بله، با همه‌ی دنیا - البته منهای آمریکا و رژیم صهیونیستی - باید رابطه داشته باشیم؛ ما مشکلی نداریم. اولاً همه‌ی دنیا فقط اروپا و فقط غرب نیست؛ در همین حدود چهار سال قبل از این و در همین شهر تهران، مگر اجلاسی تشکیل نشد که بیش از ۱۳۰ یا ۱۴۰ کشور در آن شرکت کردند؟ حدود چهل یا بیشتر رئیس دولت و رئیس کشور شرکت کردند؛ از همه جا آمدند اینجا و در اجلاس غیر متعهدها شرکت کردند. (۹) ما مشکلی نداریم با اینها؛ دنیا که فقط اروپا نیست؛ دنیا جای وسیعی است. قدرتها هم امروز در دنیا پخش شده و تقسیم شده؛ شرق دنیا - یعنی منطقه‌ی آسیا - امروز مرکز یک قدرت عظیمی است. ما با اینها ارتباط داریم؛ ما حرفی نداریم. با اروپا هم ما مشکلی نداریم، اروپایی‌ها با ما مشکل ایجاد کرده‌اند. بنده به یکی از این رؤسای اروپایی که اخیراً اینجا آمده بود گفتم که اروپا باید خودش را از تبعیت آمریکا در سیاستهایش نجات بدهد. اروپایی‌ها تبعیت از سیاست آمریکا کردند؛ او ما را تحریم کرد، اینها هم تبعیت کردند؛ او علیه ما تبلیغات کرد، اینها هم تبعیت کردند. خوب، ما چه کار کنیم؟ در قضایای مختلف، اروپایی‌ها بودند که ابتدای به دشمنی کردند. سر قضیه‌ی آن قهوه‌خانه‌ی میکونوس، رئیس‌جمهور وقت ما را متهم کردند و به دادگاه میخواستند بکشاند؛ اسمش را به‌عنوان متهم در دادگاه مطرح کردند! خوب چه کار کنیم ما با اینها؟ برویم التماس کنیم؟ برویم بگوییم آقا با ما بهتر از این باشید؟ ما کاری نکردیم با اینها؛ اینها هستند که دشمنی میکنند. اگر ما در مقابل دشمنی دشمنانمان با شجاعت و با اقتدار نایستیم، ما را خواهند خورد، خواهند بلعید. «ما» که می‌گویم، یعنی کشور را، یعنی ملت را؛ والا شخص بنده و امثال بنده که اهمیتی نداریم؛ کشور را [خواهند بلعید]. ما مسئول کشوریم، مسئول ملتیم، مسئول تاریخیم؛ نباید اجازه بدهیم. خوب، بنابراین اینها رفتارشان با ما این جور بوده.



الان هم شروع کرده‌اند و برنامه‌ریزی کرده‌اند برای نفوذ؛ انواع و اقسام طرق را - من محاسبه می‌کردم با خودم، دیدم شاید حدود ده راه مهم را - برای نفوذ در کشور پیدا کرده‌اند و دارند عمل می‌کنند؛ همین حالا دارند عمل می‌کنند. یکی از راه علمی است؛ از طریق ارتباط با دانشگاه‌ها، ارتباط با دانشمندان، ارتباط با استاد، ارتباط با دانشجویان - کنفرانس‌های به ظاهر علمی [ولی] در باطن برای نفوذ - افراد امنیتی را اینجا می‌فرستند؛ این یکی از راه‌ها [است]. یکی از راه‌ها، راه‌های فرهنگی و هنری است. مأمور مستقیم دستگاه‌های امنیتی را به عنوان یک فرد صاحب‌هنر برای، فرض کنید، جشنواره‌ی موسیقی معین می‌کنند که بفرستند؛ که البته خوشبختانه وزارت اطلاعات فهمید، زودتر جلوی‌ش را گرفت. یعنی به عنوان حضور در یک جشنواره‌ی هنری - مثلاً جشنواره‌ی موسیقی - کسی را انتخاب می‌کنند که این آدم، صد درصد سیاسی و امنیتی است؛ به عنوان [فرد] هنری اینجا می‌فرستند. خب، برای چه می‌فرستند؟ نفوذ اقتصادی یکی [از راه‌های] دیگر است. انواع و اقسام گوناگون، راه‌های نفوذ دارند؛ ما بایستی مراقب باشیم، باید مواظب باشیم.

خب، راه درست این است که ما خودمان را در درون تقویت کنیم و استغنا پیدا کنیم. دنیا به کشوری که غنی باشد و قوی باشد احترام می‌گذارد؛ مجبور است احترام بگذارد. اگر کشور ایران اسلامی قوی باشد و غنی باشد، همان کسانی که امروز دارند شاخ‌وشانه میکشند، همین‌ها می‌آیند پشت دروازه‌ی ما می‌ایستند و مت کشی می‌کنند. البته تا الان اتفاق نیفتاده؛ این رفت‌وآمدهایی که الان هست، هیچ معنای مثبتی تاکنون برای ما نداشته؛ حالا در آینده ممکن است داشته باشد - نمیدانم - اما تا الان این رفت‌وآمدهایی که وجود داشته، هیچ اثری [نداشته]. این را هم من باز به یکی دیگر از این آقایان رؤسای که همین چندی پیش اینجا آمده بودند - آقای دکتر روحانی هم حضور داشتند - گفتم که باید روی زمین معلوم باشد؛ روی کاغذ فایده‌ای ندارد که بنشینید مذاکره کنید، تفاهم کنید سر یک چیزهایی که بعد هم تحقق پیدا نکند و مشروطش کنید به موافقت فلان‌جا، باید روی زمین معلوم باشد که چه اتفاقی دارد می‌افتد؛ چه کاری دارد انجام می‌گیرد؛ این تا حالا نشده. البته امیدواریم ان شاء الله با دنبال‌گیری‌ای که آقایان دارند می‌کنند، این کار تحقق پیدا کند. تجربه‌ی ۳۷ ساله‌ی جمهوری اسلامی نشان میدهد که ما باید خودمان را تقویت کنیم، قوی کنیم؛ از لحاظ فکری قوی کنیم، از لحاظ سیاسی قوی کنیم، از لحاظ اقتصادی قوی کنیم، از لحاظ فرهنگی قوی کنیم، از لحاظ علمی قوی کنیم. وقتی قوی شدیم، طبعاً عزت پیدا خواهیم کرد؛ امروز عزت یک ملت در دنیا به اینها است.

امیدواریم ان شاء الله خدای متعال به همه توفیق بدهد. من البته تشکر می‌کنم از مسئولین کشور، دارند زحمت میکشند؛ بنده می‌بینم که دستگاه‌های مختلف زحمت دارند میکشند و تلاش می‌کنند. ان شاء الله راه درست، صراط مستقیم، کار صحیح را با جدیت دنبال بکنند و خدای متعال هم ان شاء الله کمک خواهد کرد.

والسلام علیکم ورحمة الله و بركاته

۱) این دیدار در پایان نوزدهمین اجلاس‌ی دوری چهارم مجلس خبرگان رهبری تشکیل شد. در ابتدای این دیدار آیت‌الله محمد یزدی (رئیس مجلس خبرگان) و آیت‌الله سید محمود هاشمی شاهرودی (نایب رئیس مجلس خبرگان) گزارشی ارائه کردند.

۲) هراس‌انگیز



- ۳) مفاتیح الجنان، مناجات شعبانیّه؛ «معبودا! آن سان به رحمت تو امیدوارم که گویی در پیشگاهت ایستاده‌ام و توکل بسزایم به تو، بر سرم سایه گسترده است؛ پس تو فرمائی را که سزاوار آنی رانده‌ای و مرا در عفو و گذشتت پوشانده‌ای»
- ۴) معظم‌له این فقرات را با گریه بیان کردند.
- ۵) لطمه زدن، اخلال پیدا شدن
- ۶) نهادهای چهارگانه برای استعلام صلاحیت کاندیداهای مجلس شورای اسلامی عبارتند از: وزارت اطلاعات، قوه قضائیه، تشخیص هویت نیروی انتظامی، سازمان ثبت احوال
- ۷) شرح نهج البلاغه ی ابن ابی‌الحدید، ج ۲۰، ص ۳۱۹
- ۸) سردار امیرعلی حاجی‌زاده ( فرماندهی نیروی هوا فضای سپاه)
- ۹) شانزدهمین دوره نشست جنبش غیر متعهدها که از ۵ تا ۱۰ شهریور سال ۱۳۹۱ در تهران برگزار شد.